

بررسی حقوق ترجمه و مترجم در فقه و حقوق موضوعه*

دکتر عباسعلی سلطانی

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی

Email: Soltani@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

شیفتگی به آگاهی و دستیابی به علوم و فنون ناشناخته، انسان را به پژوهش و داشتنه و موجب گسترش دانش در همه زمینه های علوم و معارف بشری شده است و آشکارترین نمود آن نیز عرضه فرآورده های علمی دانشمندان به جامعه بشری است. امروزه در عصر اطلاعات و ارتباطات، این نگاهها و فرآورده ها به وسیله رشد علوم و تکنولوژی، از محیط پدید آورنده و نویسنده پا فراتر می گذارد و در اندک زمانی در سراسر جهان منتشر می شود.

اما از آن جا که بسیاری از این فرآورده های علمی و ادبی به زبانی خاص نگاشته و یا عرضه می شود، دیگر مشتاقان به آن دانش که با آن زبان آشنایی ندارند، نمی توانند از آن بهره مند شوند و این خود مانع مهمی در جهت رشد و گسترش معارف بشری است. ترجمه به عنوان بهترین ابزار داد و ستد اندیشه، می تواند این مانع را برطرف کند و راه را برای تبادل معارف بشری بگشاید.

به منظور حمایت از تلاش پر ارزش و طاقت فرسای مترجم که در راه برگرداندن اثر یا کتاب زحمت زیادی را متحمل می شود، نظام های حقوقی و دولت ها از دیرباز تدابیر و قوانینی وضع کرده اند تا از یک طرف مانع غارت و چپاول حاصل تلاش مترجمان به دست سودجویان شود و از طرف دیگر موجبات تشویق و حمایت از این قشر مهم را که واسطه انتقال معارف بشری هستند فراهم آورد.

در نظام حقوقی اسلام و حقوق موضوعه کنونی ایران، احکام و قوانینی به منظور حمایت و تشویق مترجمان و آثار ترجمه شده وضع شده است این نوشتار به بررسی این مقررات می پردازد.

کلید واژه ها: ترجمه، مترجم، حقوق مادی، حقوق معنوی، انواع ترجمه، اشخاص

حقوقی، امانت علمی.

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۴/۶/۱۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۵/۲/۱۹.

شناسایی واژگان ترجمه

ترجمه در لغت

واژه «ترجمه» در زبان عربی بر وزن «فعلله» و مصدر رباعی مجرد از ماده «ترجم» یترجم» به معنای برگردان سخن از زبانی به زبان دیگر است. اما از آن جا که زبان‌اندان عرب نیز مدخل اصلی ترجمه را واژه «ترجمان» ذکر کرده‌اند (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۶۶) و واژه ترجمان بر وزن فعللان در عربی رایج نیست و اسم فاعل در باب تفعّل بر وزن متفعّل است و سیبویه در مبحث اسم فاعل به آن اشاره نکرده است، لذا نظریه ورود کلمه ترجمان از فارسی به عربی و معرب بودن آن که برخی از زبان‌اندان همچون زبیدی (تاج العروس، ۲۱۱/۸) و دهخدا (لغت نامه، ذیل حرف ت) به آن تصریح کرده‌اند، درست می‌نماید. بر این اساس پس از گذشت مدتی از ورود واژه ترجمان از زبان فارسی به عربی، فعل «ترجم یترجم ترجمه» از آن اشتقاق پیدا کرده است و لذا سخن طریحی (مجمع البحرین، ۲۸۷/۱) که آن را واژه عربی و اسم فاعل دانسته، نادرست است.

ترجمه در اصطلاح

در اصطلاح سه معنای متفاوت برای ترجمه به کار رفته است:

- ۱- شرح حال و سیرت اشخاص: براساس این معنا، ترجمه مؤلف یعنی شرح حال مؤلف که واژه تراجم از این باب است.
 - ۲- تفسیر کلام: بر این اساس برخی چون ترجمه را به معنای تفسیر کلام می‌دانند، ترجمه کاملاً آزاد را جایز و روا می‌دانند.
 - ۳- برگرداندن نوشته یا گفته‌ای از زبانی (زبان مبدأ) به زبان دیگر (مقصد)، آن چنان که ساختار کلام و مقصود صاحب سخن حفظ شود.
- به نظر می‌رسد ترجمه در معنای اصطلاحی نخست و دوم در شمار آثار اصلی و تألیفی قرار می‌گیرد زیرا در معنای نخست شرح حال نویسی خود تألیف اصلی بوده

و ابتکار در آن اصلی است و در معنای دوم نیز کار صاحب اثر تفسیر است و ابتکار او اصلی است، ولی معنای سوم که مقصود از ترجمه در این نوشتار همین معناست، اثر و ابتکاری تبعی است؛ زیرا خود فرع بر تألیف است.

واژه ترجمه و مترجم در فقه و قانون و عرف

با این که در متون احادیث معصومان(ع) و کتب فقهی واژه ترجمه و مشتقات آن به کار رفته (طوسی، ۷۶۵) و در متون حقوقی و در قانون نیز از این واژه استفاده شده است (قانون حمایت حقوق مؤلفان و مترجمان)، اما نه در متون فقهی و نه در قانون، تعریفی از ترجمه و مترجم وجود ندارد. لذا برای درک این مفهوم ها باید به عرف مراجعه کرد.

از نظر عرفی، مترجم کسی است که با استفاده از دانش خود که تسلط بر زبان مبدأ و مقصود است کلامی را از زبانی به زبان دیگر برمی گرداند. این عمل وی را که برگردانیدن کلام از زبان مبدأ به مقصد است ترجمه می گویند.

اهمیت و سودمندی های ترجمه

گرچه در عصر ارتباطات و اطلاعات (ICT) اهمیت ترجمه و تأثیر شگرف آن در زندگی بشر بر کسی پوشیده نیست، اما شایسته است به منظور نشان دادن جایگاه مهم و اساسی دانش ترجمه و مترجم نخست سودمندی های آن را یادآور شویم.

أ- ترجمه به مثابه ابزار ارتباط فکری و اجتماعی ملل: اگر دانش ترجمه نبود، آگاهی اقوام و ملل مختلف از یکدیگر به دلیل عدم آشنایی افراد نسبت به زبان های دیگر میسر نمی شد. این ارتباط از ابتدای برخورد دو انسان با یکدیگر که دارای زبان های مختلف بودند آغاز شد و به یاری ترجمه گسترش پیدا کرد.

ب - ترجمه، ابزار داد و ستد اندیشه: استفاده از دستاوردهای فکری دیگران که

در قالب آثار نوشتاری و گفتاری ظهور یافته، مستلزم آن است که استفاده کننده با زبان آن افکار آشنایی داشته باشد. ولی چون غالب افراد نمی توانند با زبان های دیگر آشنایی کامل داشته باشند لذا ضروری است آثار مزبور به همت زبان‌دانان آشنا یعنی مترجمان ترجمه شود تا راه برای داد و ستد و در نتیجه تکامل اندیشه ها هموار گردد.

ج - ترجمه، پل ارتباطی تمدن های گوناگون: پیشینه ترجمه به خوبی نشان می دهد که همواره و از زمان های پیش استفاده تمدن ها از دستاوردها و تجربیات یکدیگر به وسیله ترجمه آن ها در گسترش و پیشرفت آنان نقش بسزایی داشته است، چنان که در نهضت ترجمه در دوره عباسیان، دانشمندان اسلامی از آثار اندیشمندان یونانی بهره برده و به ترجمه آن ها به زبانهای عربی دست زده اند و نیز با عرفان و تصوف شرق آشنا شده اند. تمدن غرب هم با ترجمه اندیشه های دانشمندان مسلمان همچون ابوعلی سینا، رازی، بیرونی و کسانی از این دست به موفقیت ها و پیشرفت های چشمگیری دست یافته است تا آن جا که لیبری می گوید: «اگر اثر تمدن و فرهنگ اسلامی نبود، رنسانس در اروپا چندین قرن به عقب می افتاد» (موسوی، ص ۱۳۵)

د - ترجمه، عامل گسترش اندیشه های صاحب اثر اصلی: ناآشنا بودن به زبان تألیف در جامعه، باعث بی اطلاعی مردم آن جامعه از محتوا و موضوع آن اندیشه می شود و لذا آن اندیشه تنها به آشنایان با آن زبان محدود می ماند، در حالی که به طور طبیعی هم اقتضای اندیشه و هم خواسته صاحب اندیشه آن است که این مانع برطرف شود و اندیشه در میان همه نسل ها و عصرها گسترش پیدا کند؛ چرا که گسترش اندیشه موجب کمال و شادابی و توقف آن در یک زبان خاص موجب رکود و ایستایی آن می شود.

ه - ترجمه به مثابه عامل تداوم حیات تمدن بشری: چنان که تنفس از هوای تازه حق عمومی و همگانی است علوم و معارف بشر نیز عمومی و همگانی است و مانند جریان هوا از نقطه ای به نقطه دیگر جهان منتقل می شود و نقش مترجمان به

عنوان عامل انتقال و تداوم حیات تمدن بشری به منظور قرار دادن ملتها در مسیر تحولات و رخدادهای جهانی موجب زنده ماندن و شادابی تمدن می شود تا آن جا که هرگونه اهمال و بی توجهی به ترجمه و انتقال دانش ها از زبان دیگر موجب ایستایی و رکود و در نتیجه مرگ تمدن ها می شود. بنابراین رسالت ترجمه یک ضرورت انسانی است و یک تمدن هر چه پیشرفته و متری باشد نباید و نمی تواند به میراث علمی خود بسنده کند و از دستیابی به میراث علمی و فکری دیگر ملت ها از طریق ترجمه، بی نیاز باشد.

انواع ترجمه

با توجه به سودمندی ها و اهمیت ترجمه، بشر از گذشته های دور به این ضرورت پی برده و لذا در هر عصری براساس آنچه آن دوران می طلبیده به گونه ای از ترجمه دست یازیده است:

- ۱- **ترجمه ابتدایی:** پیشینه این نوع ترجمه به اولین برخورد و ارتباط دو انسان که با زبان یکدیگر آشنا نبودند، بر می گردد. در آن دوران به طور طبیعی از اشاره و یا ترسیم نقش ها و اشکال برای برگرداندن مقصود هر کدام به دیگری استفاده می شد.
- ۲- **ترجمه مکتوب:** با اختراع خط و کاغذ و بعدها با اختراع ماشین چاپ، ارتباط ملت ها و اقوام گوناگون با یکدیگر رو به فزونی گذاشت و ضرورت برگرداندن و ترجمه نوشته ها و تألیف ها برای انتقال آن ها به دیگر ملل بیشتر احساس شد و لذا ترجمه مکتوب رواج پیدا کرد.
- ۳- **ترجمه مضبوط:** پس از اختراع هنر هفتم یعنی سینما و نوار کاست و در زمان کنونی پیشرفت چشمگیر و شگفت آور فن آوری رایانه ای، برای انتقال دستاوردهای هنر هفتم به دیگر ملت ها و نیز برای ارتباط هر چه بیشتر انسان ها با یکدیگر از طریق رایانه، ترجمه اندیشه ها و سخنان از زبان مبدأ به زبان مقصد و انتقال

آن به صورت غیرمکتوب و بلکه با ترجمه و ضبط صدا و یا کلمات، رواج پیدا کرد که نگارنده این نوع از ترجمه را ترجمه مضبوط نامیده است. شایان ذکر است که در مباحث فقهی و حقوقی، هیچ فرقی بین انواع ترجمه ها و مترجمان وجود ندارد.

بررسی مالکیت ترجمه در فقه و حقوق موضوعه

وضعیت زندگی شهری و اقتصادی و فرهنگی نوین، نوعی از حقوق مالی از قبیل حق اختراع، حق ترجمه، حق تألیف و از این دست را به عنوان حقوق فکری و ادبی پدید آورده و قوانین بین الملل و پیمان های جهانی به این حقوق که گاه با نام حقوق و مالکیت معنوی نیز خوانده می شود شکل قانونی بخشیده است. این حقوق تا آن جا مورد توجه و اهتمام قرار گرفته که امروزه یکی از شاخص های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، میزان حمایت آن ها از مالکیت ادبی، فکری و هنری است. لذا بسیاری از کشورها با پی بردن به اهمیت موضوع، درصدد وضع قوانینی در جهت حمایت از حقوق مؤلفان و مترجمان و مالکیت فکری و هنری برآمده اند.

این موضوع نه تنها در کشورهای پیشرفته از اهمیت خاصی برخوردار است، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز مورد توجه خاص واقع شده و این کشورها قوانین خود را در جهت حمایت مؤثر از حقوق مترجمان، مؤلفان و هنرمندان تکمیل و نوسازی کرده یا به پیمان های بین المللی راجع به مالکیت ادبی و هنری پیوسته اند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز این موضوع مورد توجه زمامداران کشور، فرهیختگان، محافل دانشگاهی، نویسندگان، هنرمندان، ناشران و حتی دست اندرکاران مسایل اقتصادی است. بررسی جدی نارسایی های قوانین ایران و تشکیل کمیسیونی از سال ۱۳۸۱ برای بررسی موضوع و تهیه پیش نویس قانون جدید حمایت از مالکیت ادبی و هنری با همکاری ثمربخش سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) و برگزاری

گردهمایی های متعدد در این زمینه با کمک و حمایت سازمان یاد شده و خصوصاً الحاق ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۱۳۸۰ نشانه های بارزی از عنایت خاص مسئولان و فرهیختگان ایران به این موضوع است (صفایی/۳۱۴).

از آن جا که حق ترجمه و مترجم از مصادیق حقوق ادبی و مالکیت فکری است، برای روشن شدن دیدگاه فقه و حقوق موضوعه در خصوص حق ترجمه، شایسته است ابتدا تاریخچه و سپس مبانی حقوق مالکیت فکری و ادبی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

تحول حقوق مالکیت فکری و ادبی در ایران

تا سال ۱۳۴۸ قانون جامع و مناسبی در ایران برای حمایت از مالکیت ادبی و هنری وجود نداشت و فقط چهار ماده در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ دیده می شد که تا حدی از حقوق مؤلفان حمایت می کرد.

در دی ماه ۱۳۴۸ پس از مدت ها انتظار و نابسامانی «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مشتمل بر ۳۳ ماده به تصویب رسید که تحول چشمگیری در حمایت از این حقوق ایجاد کرد. در این قانون اصول نوین حمایت از مالکیت ادبی و هنری که در قوانین جدید کشورهای توسعه یافته و کنوانسیون های بین المللی دیده می شود منعکس شده است، هر چند که نمی توان آن را بی عیب و نقص دانست.

فصل یکم این قانون به تعاریف و آثار مورد حمایت اختصاص یافته و در فصل دوم حقوق پدیدآورنده، اعم از حقوق مادی و معنوی و استثنائات آن تنظیم شده است. فصل سوم راجع به مدت حمایت از حقوق پدیدآورنده و فصل چهارم مربوط به تخلفات و مجازات ها و به تعبیر دیگر ضمانت اجراست. آیین نامه اجرایی ماده ۲۱ این

قانون که مربوط به ثبت اختیاری اثر است در دی ماه ۱۳۵۰ به تصویب هیأت وزیران رسید.

از آن جا که این قانون برای حفظ حقوق مترجمان و نیز حمایت از حقوق جانبی (حقوق هنرمندان مجری، تولیدکنندگان آثار صوتی و مؤسسات رادیو و تلویزیون) کافی نبود، قانون دیگری با عنوان «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» در دی ماه ۱۳۵۲ مشتمل بر ۱۲ ماده به تصویب رسید و قانون ۱۳۴۸ را تکمیل کرد. چون در هیچ یک از دو قانون مذکور حمایت از نرم افزارهای رایانه ای مورد نظر نبود و از این جهت قوانین ایران ناقص می نمود، در دی ماه ۱۳۷۹ «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای» مشتمل بر ۱۷ ماده به تصویب رسید.

این قانون اصول و قواعد حمایتی مالکیت ادبی و هنری را به نرم افزارهای رایانه ای گسترش داد و ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای نقض حقوق پدیدآورندگان این آثار مقرر داشت. با این که قانون اخیر حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای را ظاهراً به حقوق مالکیت ادبی و هنری ملحق کرد، امکان ثبت این حقوق به عنوان اختراع بر طبق «قانون ثبت علائم و اختراعات» را پس از صدور تأییدیه فنی توسط شورای عالی انفورماتیک پیش بینی کرد.

از سال ۱۳۵۸ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی حمایت از حقوق مترجمان و مؤلفان و هنرمندان به طور جدی مورد چالش و بررسی قرار گرفت؛ زیرا برخی از فقها حمایت از حقوق مترجم و مؤلف و هنرمند خصوصاً حقوق مادی پدیدآورنده را منطبق با شرع نمی دانستند. لیکن با کوشش طرفداران حقوق مترجم و مؤلف و اظهارنظرهای مستدل گروهی از فقها و مراجع تقلید امروزه گرایش به ضرورت حمایت از مالکیت ادبی و هنری و شرعی بودن آن در میان فقهای اسلامی تقویت شده و گروهی از فقهای بزرگ طرفدار این نظر هستند و در تأیید آن به دلایل فقهی چندی استناد می کنند، از جمله است:

۱- **دلیل عقل (عدل):** براساس این دلیل، عدالت خداوند مقتضی آن است که تلاش مترجم و صاحب اثر برای تولید فکری و ادبی ای که انجام داده است، نادیده گرفته نشود و حق مالکیت او به دیده احترام نگریسته شود. لذا امروزه هم عقلای دنیا این مسأله را به عنوان یک حق شناخته اند و سلب آن را ظلم می دانند (مکارم شیرازی، ص ۲۱۱).

۲- **تمسک به ارتکاز و سیره عقلا:** براساس این دلیل، از یک سو ارتکاز عقلا بر مالکیت این حقوق ثابت است و از سوی دیگر هیچ منع و ردعی از شارع مقدس نسبت به این ارتکاز عقلایی به ما نرسیده است. پس اصل، اعتبار این ارتکاز عقلایی توسط شارع مقدس می باشد.

دلایل دیگری همچون، اثبات ملکیت تکوینی اعمال ذهنی (خامنه ای، ص ۴) و تمسک به ادله حرمت سرقت و غضب (شبیری، ص ۱۸)، حکم عقل به اولویت انسان نسبت به کار خود و نتایج آن (حائری، کاظم، ص ۹۷)، قاعده لاضرر (صدر، ص ۲۷۶)، حکم حکومتی فقیه، قاعده حفظ نظام، دلیل عقل مستقل، قاعده صحت (شفایی، ص ۷۶)، حق سبق و تمسک به عموم اوفوا بالعقود (عمید زنجانی، ص ۱۹۷) نیز برای اثبات حقوق مالکیت فکری و ادبی ذکر شده است.

مخالفان حقوق و مالکیت فکری و ادبی نیز دلایلی را ذکر کرده اند که ضمن نقد آن ها به اختصار بیان می شود:

۱- آیات و روایاتی که از کتمان علم و حقایق نهی می کند، کتمان کنندگان را مورد لعنت و نفرین خداوند می داند (بقره/۱۵۹ و کلینی، ۲/۲۳۵).

این در حالی است که از دیگر سوی پذیرش حقوق ادبی و فکری موجب آن می شود که علم افراد به دلیل این که حق انحصاری انتشار به آن ها داده شده است کتمان گردیده و حبس شود.

پاسخ: آیات و روایات پیشگفته عالمانی را که به قصد گمراه کردن مردم و

تحریر حقایق، علم خود را کتمان می کنند سرزنش و نکوهش کرده است نه مترجمی را که برای رسیدن به منافع مادی و معنوی خود از حق انحصاری انتشار اثر خویش برخوردار است.

افزون بر آن، وضع حقوق ادبی و فکری به منظور تشویق و ترغیب، اندیشمندان وضع شده است و به فرض این که حق ترجمه یا تألیف را مشروع و قانونی ندانیم هیچ الزام فقهی و قانونی ای برای انتشار اثر مؤلف وجود ندارد.

۲- عدم جواز اخذ اجرت بر انجام واجبات: علم آموزی و تعلیم آن واجب و موجب تقرب و طاعت خداوند است و زکات علم به انتشار آن است و در نظر گرفتن حق تألیف در این واجبات الهی با قداست و قصد قربت آن سازگاری ندارد.

پاسخ: دلیل فوق با جهاد نقض می شود؛ زیرا با این که جهاد واجب عبادی محض است خداوند متعال برای مجاهدان، حقی در غنایم جنگی قایل شده است (انفال/۴۱) و از طرف دیگر با جواز مهریه قرار دادن تعلیم قرآن که نشان مالیت آن است و توسط پیامبر اکرم هم انجام شده است نیز نقض می شود.

۳- غیر عادلانه بودن وضع حق مالکیت معنوی و فکری به ویژه در سطح بین الملل: وضع چنین حقی موجب ایجاد فضای انحصاری برای جوامعی می شود که روزگاری از دستاوردهای علمی و صنعتی جوامع عقب مانده به سهولت و رایگان استفاده کرده و کاخ عظیم علمی و صنعتی کنونی خود را براساس آن بنا کرده اند (ایرانی، ص ۹۱).

پاسخ: در قرن کنونی یعنی قرن اطلاعات و ارتباطات که جهان به دهکده کوچکی تبدیل شده است و کشورها ناگزیر از استفاده از اطلاعات و محصولات فکری یکدیگر هستند، و از طرفی هزینه های سنگینی برای تولید علم و فن آوری نوین صرف می شود، چاره ای جز به رسمیت شناختن حقوق مالکیت های فکری و ادبی نیست.

۴- ناسازگاری حقوق مالکیت فکری و معنوی با قاعده فقهی تسلیط: براساس

قاعده تسلیط وقتی انسان کتاب یا کالایی را خریداری می کند، مال او محسوب می شود و حق دارد در مال خود هرگونه تصرفی مثل تقلید، انتشار و از این قبیل داشته باشد. اما ایجاد حق انحصاری برای مترجم یا مؤلف با این تسلط خریدار بر مال خود، منافات دارد (امام خمینی، ۶۲۵/۲).

پاسخ: این دلیل به روشنی بر مشروعیت و قانونی بودن حقوق مالکیت فکری و ادبی دلالت دارد زیرا مترجم و مؤلف به موجب قاعده تسلیط بر مال خود تصرف و تسلط دارد و می تواند دیگران را از هرگونه تقلید و انتشار در مال خود باز دارد. ترجمه هایی که مورد حمایت قانون قرار می گیرد:

در قانون حمایت از مؤلفان و مترجمان در ایران، مانند قوانین کشورهای دیگر و کنوانسیون های بین المللی، حمایت قانون متوجه شکل اثر است ولی شکل خاص شرط نیست. ماده ۱ قانون ۱۳۴۸ هر پدیده ادبی یا هنری ای را «بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن به کار رفته» اثر قابل حمایت تلقی کرده و ماده ۲ نیز عدم تأثیر شکل و نحوه بیان اثر را در حمایت قانون تأیید کرده است و از این جهت قانون ایران با کنوانسیون برن (ماده ۲) هماهنگی دارد. آثار فرعی و اقتباسی مانند ترجمه، اقتباس، تلخیص، تبدیل و هرگونه اثری هم که از تغییر اثر قبلی پدید آمده باشد مورد حمایت قانون ایران است.

در مورد ترجمه، قانون ایران صراحت دارد. از نظر حقوقی با توجه به ماده (۱) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶ باید گفت که قانونگذار از کلیه ترجمه هایی که به نحوی متضمن عمل ترجمه است حمایت می کند. در نتیجه، فرقی بین ترجمه های مکتوب و غیرمکتوب وجود ندارد. پس، خواه مترجم، ترجمه خود را به صورت نوشته درآورده باشد و یا آن را در نوار یا فیلم یا هر وسیله دیگر ضبط کرده باشد، از حمایت قانون برخوردار خواهد بود. در مورد سایر آثار فرعی، این حمایت از عموم ماده ۱ و بندهای ۵ و ۶ و ۷ ماده ۵ و نیز ماده ۲۴ قانون

حمایت حقوق مؤلفان قابل استنباط است. در ماده ۴ پیش نویس لایحه جدید، این آثار صریحاً ذکر شده است که کاملاً منطبق با کنوانسیون برن است. حمایت قانونی از ترجمه و آثار فکری و ادبی مشروط به ثبت رسمی آن ها نیست و اثر به محض ایجاد قابل حمایت است، هر چند که مترجمان، مؤلفان و هنرمندان می توانند بر طبق ماده ۲۱ قانون مزبور و آیین نامه اجرایی آن، اثر، نام، عنوان و نشانه ویژه اثر را در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا ادارات تابع آن به ثبت برسانند و از مزایای ثبت که خصوصاً برای اثبات دعوی مفید است بهره مند شوند. قاعده اختیاری بودن ثبت و مشروط نشدن حمایت قانونی به آن منطبق با معیارهای بین المللی است (صفایی/۳۱۹).

محدودیت های ترجمه

ظاهراً قانونگذار هیچ گونه محدودیتی برای نوع آثار مورد ترجمه قرار نداده است. پس مترجم آزاد است که از میان آثار علمی، اجتماعی، دینی، ادبی هر کدام را می خواهد ترجمه کند. نوع زبانی هم که اثر اصلی بدان نگاشته شده ملاک نیست. اما چه بسا آثار و نوشته هایی که با نظم عمومی جامعه یا حقوق مورد حمایت قانونی افراد جامعه برخورد داشته باشد. لذا با استنباط از مفاد قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات می توان گفت: قانونگذار برای نشر و ترجمه پاره ای از مطالب، محدودیت و یا مجازات قایل شده است. این محدودیت ها بدین شرحند:

أ - آثاری را که به نحوی مخل به مبانی و اصول اسلام باشد نباید ترجمه یا منتشر کرد. اصل بیست و چهارم قانون اساسی می گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.»

لذا، اگر متن اصلی متضمن توهینت به اصول اسلامی و یا مخل حقوق عمومی

باشد نباید ترجمه و نشر گردد. اما مترجم آزاد است قسمتی را که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی بوده ترجمه نکند و فقط بخش های دیگر را ترجمه کند.

البته، چنان که از قسمت اخیر اصل مزبور بر می آید، تفصیل مطالب مخل به اسلام یا حقوق عمومی باید توسط قانون مشخص گردد. اما تاکنون در مجلس شورای اسلامی قوانینی مستقلاً در توضیح و تفصیل این موضوع وضع نگردیده است؛ اما از تبصره های ماده (۶) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می توان دریافت که مطالب زیر می توانند مصادیق اخلاف در مبانی اسلام یا در حقوق عمومی باشند:

أ) مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج دهنده آنچه به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند؛

ب) مطالبی در ارتباط با فحشا و منکرات و انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی؛

ج) مطالبی برای ایجاد اختلاف ما بین اقشار جامعه به ویژه از طرق طرح مسایل نژادی و قومی؛

د) مطالبی در تشویق افراد گروهها به ارتکاب اعمالی بر ضد امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج از کشور؛

ه) اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام رهبری و مراجع مسلم تقلید (قانون مطبوعات، ماده ۶ و قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۱۳).

براساس قانون مطبوعات، ترجمه و نشر مطالب زیر نیز ممنوع است:

أ) ترجمه های متضمن افترا به مقامات، نهادها، ارگان ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند؛

ب) سرقت های ادبی.

ضرورت اجازه صاحب اثر اصلی برای ترجمه

مطابق بند پنجم از ماده (۵) قانون حمایت مؤلفان، از جمله حقوقی که صاحب اثر اصلی بر اثر خود دارد، حق ترجمه است که او می تواند آن را به میل خویش به هر کس که بخواهد واگذار کند؛ زیرا گاهی ترجمه یک اثر و انتشار آن منبع درآمد سرشاری می گردد. پس نباید به اشخاص اجازه داد که بدون موافقت صاحب اصلی، اثر او را ترجمه و از این راه بهره برداری های مادی و معنوی کنند. چه بسا که مؤلف در راه تألیف و خلق اثر خود، متحمل هزینه های مادی و زحمات طاقت فرسا شده باشد. ترجمه کردن این اثر بدون اجازه صاحب اثر اصلی باعث می شود که مترجم بدون تحمل حتی اندکی از رنج های فراوان مؤلف، به منافی با آورده دست یابد. برای حمایت از مؤلف است که قانون برای ترجمه آثار محدودیت هایی قایل شده است. از نظر قانونی باید بین آثاری که برای اولین بار در ایران منتشر می شود و آثاری که برای اولین بار در خارج منتشر می گردد تفاوت قایل شد.

حقوق مترجم بر اثر ترجمه شده

هر مترجم یا پدید آورنده اثر فکری و ادبی، نسبت به آن اثر دارای دو نوع حق مادی و معنوی است که قانون ترجمه و نشر نیز از آن حمایت می کند:

حقوق مادی مترجم

در قانون ترجمه و نشر ایران، حقوق مادی پدیدآورنده و به دیگر سخن حق انحصاری هرگونه بهره برداری مالی از اثر برای پدیدآورنده شناخته شده است. این حق خصوصاً شامل حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، حق عرضه و اجرای آثار نمایشی و موسیقی و حق استفاده از پاداش و جایزه است. پدیدآورنده می تواند از اثر خود شخصاً بهره برداری مالی کند یا استفاده از حقوق مادی خود را به غیر واگذار نماید. ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان و

مصنفان و هنرمندان در این خصوص می گوید:

«پدید آورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله زیر به غیر واگذار کند:

- ۱- تهیه فیلم های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن؛
- ۲- نمایش صحنه ای مانند تئاتر و باله و نمایش های دیگر؛
- ۳- ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر؛
- ۴- پخش از رادیو و وسایل دیگر؛
- ۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن؛

۶- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی؛

۷- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.»

بنابراین حقوق مادی پدیدآورنده قابل نقل و انتقال به موجب قرارداد است. همچنین، این حقوق قابل انتقال از طریق ارث و وصیت است و ماده ۱۲ قانون به این قاعده تصریح کرده است.

شایان ذکر است که قانون ایران درباره قراردادهای بهره برداری از اثر مقررات خاصی ندارد و این قراردادها تابع قواعد عمومی است و حال آن که در برخی از کشورها، مانند فرانسه، مقررات جامعی در این زمینه به منظور حمایت از پدیدآورندگان و جلوگیری از سوء استفاده بهره برداران که اغلب از لحاظ اقتصادی قوی تر هستند و می توانند نظر خود را بر مترجمان، مؤلفان و هنرمندان تحمیل کنند دیده می شود. شایسته است قانونگذار ایران نیز مقررات خاصی برای این گونه قراردادها وضع کند. پیش نویس لایحه جدید از لحاظ حقوق مادی پدیدآورنده، جامع تر از قانون فعلی است و حتی توزیع اثر برای عموم از طریق امانت دادن، یا اجاره، فروش و نظایر آن نیز

در آن ذکر شده است (ماده ۶). به علاوه، در این پیش نویس یک ماده به واگذاری و اجازه بهره برداری از حقوق پدیدآورندگان اختصاص یافته (ماده ۲۰) که متضمن مقرراتی در جهت حمایت از پدیدآورنده است. از جمله آن که این واگذاری باید به موجب قرارداد کتبی باشد و واگذاری تمام یا بخشی از حقوق مادی شامل واگذاری حقوق دیگر که صریحاً در آن ذکر نشده نخواهد بود. مثلاً اگر مؤلف یک نسخه از کتاب خود را به کسی بفروشد، خریدار نمی تواند آن را تکثیر کند. این قاعده در قانون فعلی صریحاً ذکر نشده ولی از قواعد عمومی قابل استنباط است.

در مورد انتقال حقوق مادی پدیدآورنده به موجب قرارداد، ماده ۱۴ قانون ۱۳۴۸ حق انتقال گیرنده را به مدت سی سال محدود کرده، مگر این که برای مدت کمتر توافق شده باشد. این یک قاعده آمره و تنها قاعده ای است که حق انتقال گیرنده را در حمایت از پدیدآورنده محدود کرده است (صفایی/۳۲۱).

موارد استثنا از حقوق مادی مترجم

گرچه اصولاً موافقت پدیدآورنده (مترجم) یا قائم مقام قانونی او برای استفاده از اثر ترجمه شده لازم است، ولی قانونگذار به سبب مصالحی که در نظر داشته، در مواردی اخذ اجازه از مترجم و صاحب اثر برای تکثیر و نسخه برداری ترجمه منتشر شده را لازم ندانسته است. این موارد عبارتند از:

أ) کتابخانه های عمومی و مؤسسات جمع آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می شوند می توانند طبق آیین نامه ای که به تصویب هیأت وزیران می رسد از آثار مورد حمایت قانون به میزان موردنیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند.

ب) نسخه برداری برای استفاده های شخصی و غیرانتفاعی.

علاوه بر دو مورد یاد شده، مطابق ماده (۷) قانون حمایت از حقوق مؤلفان و

مترجمان «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آن ها برای مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ و در حدود متعارف مجاز است» (ماده ۷ قانون حمایت از مؤلفان و مترجمان). حتی قانونگذار برای تسهیل در تهیه جزوه هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان فراهم و تکثیر می شود، ذکر مأخذ را الزامی ندانسته است، مشروط بر اینکه این کار جنبه انتفاعی نداشته باشد (بندرچی/۲۸).

شرط حمایت از حقوق مادی

برابر ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مترجمان «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد». این قاعده را که با معیارهای بین المللی سازگار نیست با ملاحظات مربوط به مصالح ملی توجیه می کنند. بنابراین قاعده، آثار بیگانگان هنگامی در ایران حمایت خواهد شد که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا شده باشد. البته قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی تا حدی این قاعده را تعدیل کرده و مقرر داشته است: «در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت های مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است». بنابراین، در مورد تکثیر این آثار، در صورتی که متعلق به بیگانگان باشد، وجود رفتار متقابل سیاسی (عهدنامه) یا علمی، برای حمایت کافی است و لازم نیست اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا شده باشد.

پیش نویس لایحه جدید در مورد حقوق مالکیت فکری و ادبی و هنری در ایران سعه صدر بیشتری نشان داده و در جهت هماهنگی با معیارهای بین المللی، علاوه بر

ضابطه نخستین انتشار در ایران، چند ضابطه دیگر را هم برای حمایت مقرر داشته است که از جمله آن‌ها تابعیت جمهوری اسلامی ایران یا داشتن محل سکونت در این کشور است و به طور کلی این پیش نویس با کنوانسیون برن هماهنگ است (صفایی/۳۲۴).

محدودیت زمانی حقوق مادی مترجم

برخلاف مالکیت سنتی و از آن جا که ترجمه و تألیف کار فکری بوده و با دیگر اعمال غیرفکری مثل تجارت قابل سنجش نیست، حقوق مادی مترجم موقت است و بعد از مدتی بهره برداری از اثر، برای همگان، با رعایت حق معنوی پدیدآورنده، آزاد می گردد. در توجیه این قاعده گفته اند: اثر ادبی یا هنری برای استفاده عمومی پدید آمده است. بنابراین، بعد از انقضای مدتی که بهره برداری انحصاری به پدیدآورنده و وارثان او تعلق داشته و پس از این که آنان از مزایای مالی اثر به قدر کافی برخوردار شدند، حق فردی نسبت به اثر باید به نفع حقوق جامعه ساقط شود و همگان باید بتوانند از اثر بهره مند شوند.

قانونگذار برابر ماده ۱۲ قانون ۱۳۴۸ مدت استفاده از حقوق مادی را تا سی سال بعد از مرگ پدیدآورنده محدود کرده است. این ماده مقرر می دارد: «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد، یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت». نام وزارت فرهنگ و هنر به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبدیل شده است.

در کنوانسیون برن مدت حمایت اصولاً تا پنجاه سال بعد از فوت پدیدآورنده است. (ماده ۱-۷) و همین قاعده در پیش نویس لایحه جدید حمایت از مالکیت ادبی و هنری پذیرفته شده است. در مورد آثار بی نام و آثاری که با نام مستعار منتشر شده،

برابر کنوانسیون برن، مدت حمایت پنجاه سال از تاریخ عرضه اثر به عموم است مگر این که هویت پدیدآورنده در طول این مدت معلوم شود که در این صورت مدت حمایت تا پنجاه سال از فوت او خواهد بود (ماده ۳-۷). قانون فعلی ایران در این مورد ساکت است و به طور کلی قوانین فعلی ایران متضمن هیچ تصریحی درباره این گونه آثار نیستند و از این جهت ناقصند. اما پیش نویس لایحه جدید همان قاعده مذکور در کنوانسیون برن را پذیرفته است (ماده ۴-۷).

برابر تبصره ماده ۱۲ قانون ۱۳۴۸ مدت حمایت از اثر مشترک سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده است.

در کنوانسیون برن (ماده ۷ دوم) و پیش نویس لایحه جدید (ماده ۲-۱۷) نیز مبدأ محاسبه مدت در این گونه موارد، فوت آخرین پدیدآورنده است، هر چند که مدت حمایت برخلاف قانون فعلی ایران تا پنجاه سال از تاریخ فوت است (صفایی/۳۲۵).

بنابراین، از نظر حقوقی، مترجم نمی تواند به هر مدتی که مایل است حقوق مادی خود بر اثر ترجمه شده را به دیگران منتقل سازد. بلکه وی حق دارد حداکثر تا سی سال این حق را به دیگری انتقال دهد و چنانچه بیشتر از مدت مزبور حقوق مادی خود را به شخص دیگری نقل دهد، مدت زاید بلااثر است و پس از گذشتن مدت سی سال، حقوق مادی مجدداً به خود وی منتقل می گردد و وی آزاد است که دوباره آن را حداکثر تا سی سال به دیگران منتقل سازد. این بدان علت بوده است که سودجویان نتوانند از نیازهای مادی وی سوء استفاده کنند و حقوق مادی مؤلف یا مترجم را به طور مادام العمر به خویش اختصاص دهند. لازم به یادآوری است در مواردی که حقوق مادی اثری به دیگران انتقال می یابد، منتقل الیه در هر حال موظف است نام مترجم را روی اثر ذکر کند. بدیهی است اگر بین آن دو به طور خصوصی توافق شده باشد که نام مترجم روی اثر ذکر نگردد، چنین توافقی بلااشکال خواهد بود (ماده ۱۰

قانون مدنی).

پس از فوت مترجم، حقوق مادی وی به طور قهری به وراثش منتقل می گردد و آنان قائم مقام وی در استفاده از این حقوق خواهند بود. اما تفاوتی که بین وراث یا موصی له و خود مترجم وجود دارد این است که مترجم تا زمانی که زنده است دارای حقوق مادی بر اثر است. ولی وراث یا موصی له از زمان فوت مترجم تنها تا سی سال صاحب این حقوق می باشند و با گذشت سی سال مذکور، آنان دیگر حقی بر اثر ترجمه شده ندارند و در انتقال این حقوق به دیگری نیز تنها در محدوده سی سال یاد شده اختیار دارند. بنابراین، اگر وراث یا موصی له مترجمی حقوق مادی اثر را بیش از سی سال به دیگری منتقل کنند، مدت زاید بلااثر است و با انقضای سی سال، از اختیار هر دوی آنان خارج می شود. به عنوان مثال، چنانچه مترجمی در زمان حیات خود حق مادی اش را برای مدت سی سال به دیگری واگذار کند و پنج سال پس از وقوع قرارداد فوت کند، چون منتقل الیه به مدت بیست و پنج سال دیگر دارای حق مادی بر ترجمه است، تا پایان این مدت، حقوق مادی اثر متعلق به اوست و پس از گذشت مدت بیست و پنج سال است که حقوق مادی به وراث مترجم تعلق می گیرد؛ اما چون آنان تنها سی سال از تاریخ فوت صاحب اثر، بر ترجمه حق مادی دارند فقط به مدت پنج سال باقیمانده صاحب حق خواهند بود.

چنانچه مترجمی بدون وراث باشد و یا اثر خود را به نفع دیگران وصیت نکرده باشد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور استفاده عمومی، به جای وراث به مدت سی سال از تاریخ فوت مترجم، اثر ترجمه شده را در اختیار خواهد داشت. ولی پس از انقضای مدت سی سال، هر کسی می تواند از اثر مذکور استفاده های مادی مشروع ببرد و دیگر نیازی به کسب اجازه از ورثه یا موصی له یا وزارت ارشاد اسلامی نیست (بندرچی/۲۷).

حقوق معنوی مترجم

مترجم و هر پدیدآورنده اثر فکری و ادبی، افزون بر حقوق مادی، دارای پاره ای حقوق و امتیازهای غیرمادی است که مربوط به شخصیت او و برای حمایت از آن است. قانونگذار این حقوق را تحت عنوان حقوق معنوی تعریف نکرده است. ولی با توجه به مواد مختلف قانون می توان آن را شامل حقوق زیر دانست:

۱- **حق انتشار:** یعنی پدیدآورنده می تواند درباره انتشار یا عدم انتشار اثر خود تصمیم بگیرد و نمی توان او را مجبور به انتشار اثر کرد.

۲- **حق حرمت نام:** پدیدآورنده حق دارد نشر اثر را با نام خود بخواهد یا اثر را بدون نام یا با نام مستعار منتشر کند (ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مترجمان). این حق در حقوق فرانسه حق ولایت بر اثر **droit la paternite de loeuvre** نامیده شده است.

۳- **حق حرمت اثر:** از آن جا که اثر به شخصیت پدیدآورنده بستگی دارد باید محترم شمرده شود، بدین معنی که هیچ کس حق تحریف یا تعبیر اثر بدون رضایت پدیدآورنده یا قائم مقام او را ندارد (ماده ۱۹). این حقوق در کنوانسیون برن (ماده ۶) و پیش نویس لایحه جدید ایران (ماده ۷) نیز مورد توجه واقع شده است. در حالی که در قانون فعلی مفهوم و محتوای حقوق معنوی از مواد مختلف قابل استنباط است، در پیش نویس لایحه جدید یک ماده به آن اختصاص داده شده که دارای صراحت بیشتر است.

ویژگی های حقوق معنوی

ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می گوید: «حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است». بنابراین حقوق معنوی دارای ویژگی های زیر است:

- ۱- محدود به زمان نیست، یعنی دائمی است و با مرور زمان ساقط نمی شود.
- ۲- محدود به مکان نیست؛ یعنی محل اقامت پدیدآورنده یا محل انتشار و

عرضه اثر و هر عامل مکانی دیگر در آن بی تأثیر است. بنابراین، قانون ایران از لحاظ حقوق معنوی از همه آثار ادبی و هنری، اعم از این که برای نخستین بار در ایران منتشر شده باشند یا نه و اعم از این که اثر متعلق به ایرانی یا بیگانه باشد، حمایت می کند.

۳- غیرقابل انتقال است. به نظر می رسد که مقصود از غیرقابل انتقال بودن این حقوق به موجب قرارداد بین زندگان است نه غیرقابل انتقال بودن از طریق ارث یا وصایت. در تأیید این نظر می توان چنین استدلال کرد:

اولاً، حمایت از شخصیت پدیدآورنده اقتضا می کند که حقوق مادی او بعد از مرگ به وسیله کسانی که قائم مقام او هستند اعمال گردد.

ثانیاً، ماده ۴ قانون مذکور این حقوق را محدود به زمان ندانسته است و از این رو حقوق مزبور نباید با فوت پدیدآورنده از میان برود.

ثالثاً، از ماده ۲۶ قانون که برای وزارت (فرهنگ و ارشاد اسلامی) بعد از سپری شدن مدت حمایت از حقوق مادی، عنوان شاکی خصوصی در صورت تجاوز به حقوق معنوی او قایل شده، استنباط می شود که اعمال حقوق معنوی بعد از فوت پدیدآورنده با قائم مقام او اعم از وارث یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است (صفایی/۳۲۷).

در پیش نویس لایحه جدید به قابل انتقال نبودن حقوق معنوی در دوران زندگی پدیدآورنده و قابل انتقال بودن به موجب ارث یا وصایت و نیز به دایمی بودن و محدود نبودن حقوق مزبور به زمان و مکان تصریح شده است (ماده ۲-۷) که هماهنگ با کنوانسیون برن است (صفایی/۳۲۸).

ترجمه های مشترک

با توجه به اثبات مالکیت ترجمه و شمول قانون مالکیت مشاعی بر آن، اگر ترجمه ای توسط دو یا چند نفر صورت گرفته باشد، به نحوی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، حقوق مترجمان بر آن به صورت مشاع خواهد بود، بدین گونه که هیچ

یک بدون اجازه دیگری نمی تواند به چاپ و نشر آن بپردازد. البته، هر یک از مترجمان مذکور می توانند حق مادی خود بر چنین ترجمه ای را به دیگری انتقال دهند، ولی منتقل الیه نمی تواند بدون اجازه مترجم یا مترجمان دیگر از حقوق مادی آن مثل نشر و چاپ و تکثیر استفاده کند، بلکه چنین کاری منوط به اجازه دیگر مترجمان خواهد بود. اما چنانچه عمل ترجمه به طوری باشد که کار هر یک از مترجمان از یکدیگر متمایز باشد، هر یک به صورت مستقل بر آن قسمت که به وی تعلق دارد حق دارند و می توانند از آن مستقلاً استفاده برند و یا حقوق مادی آن را به دیگری واگذار کنند.

در مواردی که حقوق مترجمان به صورت مشاع است مدت حمایت قانون از اثر ترجمه شده سی سال پس از فوت آخرین مترجم است.

حقوق ترجمه هایی که به سفارش دیگری انجام می شود

گاهی اوقات، اشخاص برای این که از مطالب اثری که به زبان بیگانه است مطلع شوند از فرد دیگری که با آن زبان آشناست درخواست می کنند که در ازای دریافت حق الزحمه آن اثر خاص را برایشان ترجمه کند.

حقوق مادی اثری که بدین ترتیب پدید می آید متعلق به سفارش دهنده بوده و مترجم بر این ترجمه تنها حق معنوی خواهد داشت، بنابراین، سفارش دهنده می تواند از کلیه حقوق مادی این ترجمه (چاپ، تکثیر، نشر، تجدید چاپ و...) استفاده نماید و یا آن را به دیگری واگذار سازد. البته، گفتنی است چنانچه بین مترجم و سفارش دهنده به طرق دیگری توافق شده باشد به همان ترتیب رفتار خواهد شد.

حقوق مادی ترجمه ای که بر اثر سفارش دیگران پدید آمده از تاریخ نشر، حداکثر تا سی سال متعلق به سفارش دهنده خواهد بود و پس از گذشتن این مدت، مجموعه این حقوق به مترجم باز خواهد گشت؛ ولی چنانچه در مدت مزبور جایزه و پاداش و امتیازاتی که معمولاً در مسابقات علمی و هنری و ادبی به ترجمه ها تعلق می گیرد به چنین ترجمه ای هم تعلق گیرد، جوایز و امتیازات مزبور متعلق به مترجم

خواهد بود (بندرچی/۲۹).

حقوق ترجمه هایی که توسط اشخاص حقوقی صورت می گیرد

با توجه به توسعه و تکامل چشمگیر علوم و تکنولوژی و تخصصی شدن آن ها، دانش ترجمه نیز شکل تخصصی پیدا کرده و با تأسیس سازمان های پژوهشی و ترویجی که هر روز هم افزایش پیدا می کنند دانش ترجمه نیز در خدمت این سازمان ها قرار گرفته است. لذا بسیاری از مواقع کار ترجمه اگر چه توسط شخص یا اشخاص خاصی انجام می گیرد، ولی به شخص حقوقی معینی نسبت داده می شود. چنین ترجمه هایی مانند این است که توسط اشخاص حقوقی صورت گرفته است. چنانچه ترجمه توسط اشخاص حقوقی مثل مؤسسات، سازمان ها، وزارتخانه ها و شرکت ها انجام گیرد، حمایت قانون از چنین اثری از تاریخ نشر به مدت سی سال خواهد بود و با گذشت مدت مذکور، هر کسی می تواند از حقوق مادی متعلق به آن بهره برداری کند. البته هر مترجمی می تواند ضمن قراردادی که با منتقل الیه (مؤسسات و سازمان ها) منعقد می کند شرط نماید که آن سازمان حق انتقال حقوق مادی ای را که به وی منتقل شده است به دیگری ندارد. چنانچه این شرط در توافق قید نگردد منتقل الیه حق خواهد داشت تا زمانی که حقوق مادی اثر به وی متعلق است آن را به دیگری واگذار کند.

مترجم همان گونه که حق دارد کلیه حقوق مادی خویش بر اثر را به سازمان یا شخص حقوقی منتقل کند، حق دارد که تنها قسمتی از این حقوق را واگذار کند. وی می تواند حق چاپ ترجمه خود را به شخص و حق نشر آن را به سازمان دیگری منتقل کند، همان طور که می تواند حق تجدید چاپ آن را به شخص ثالثی بدهد» (بندرچی/۲۹).

ضمانت اجرایی قانون ترجمه

از آن جا که فقه و حقوق موضوعه حقوق و مالکیت ترجمه و مترجم را معتبر و محترم شمرده است، در حقوق ایران نیز قانونگذار به موازات حقوقی که برای وی قایل شده ضمانت اجرایی تجاوز به آن را نیز بیان کرده است. در حمایت از حقوق معنوی مترجم، ماده ۲۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان می گوید: «هر کس بدون اجازه، ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». براساس فصل چهارم از قانون حمایت از حقوق مؤلفان (مواد ۲۳ به بعد)، مواد ۷ و ۸ و ۱۲ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی و مواد ۱۳ و ۱۵ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مربوط به ضمانت اجراست. ضمانت اجرای حقوق مادی و معنوی مترجم و پدیدآورنده به موجب قوانین ایران شامل مجازات کیفری و مسؤولیت مدنی است.

۱- مجازات کیفری: در قوانین ایران برای نقض حقوق مادی و معنوی مترجم یا حقوق جانبی حبس تأدیبی یا تعزیری برحسب مورد از سه ماه تا سه سال و در مورد نقض حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال تعیین شده است. تعقیب بزه های مزبور با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او متوقف می شود.

۲- مسؤولیت مدنی: جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری از جمله ترجمه نیز در قوانین ایران پیش بینی شده است. زیان دیده می تواند جبران خسارات وارده را از دادگاه عمومی بخواهد و دادگاه عمومی برای رسیدگی به دعوی دارای صلاحیت است. به موجب قانون، هرگاه متخلف شخص حقوقی باشد، خسارت های متضرر از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی کافی نباشد ما به التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران خواهد شد (ماده ۲۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و ماده ۸ قانون

ترجمه و تکثیر).

برابر این قوانین، شاکی خصوصی می تواند درخواست کند که مفاد حکم دادگاه در یکی از روزنامه ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود. در واقع این روش، طریقه ای برای جبران خسارت معنوی است که با ماده ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز منطبق است.

ضمانت اجرای دیگری هم که برای جبران خسارت یا جلوگیری از ورود آن در قانون ایران پیش بینی شده جلوگیری از نشر و پخش و عرضه اثری است که با نقض حقوق مترجم و پدیدآورنده فراهم آمده است. ماده ۲۹ قانون ۱۳۴۸ در این باره مقرر می دارد: «مراجع قضایی می توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند».

ظاهر ماده حاکی از اختیار مراجع قضایی برای صدور دستور موقت در این مورد است. ولی شک نیست که دادگاه می تواند این امر را به عنوان نوعی ضمانت اجرای ماهوی مورد حکم قرار دهد. در حقیقت جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار غیرقانونی شیوه ای برای جبران خسارت یا پیشگیری از ورود یا ادامه آن است که طبق قواعد عمومی مسؤولیت مدنی نیز تجویز شده است (صفایی/۳۲۹).

منابع

- ابن منظور، *لسان العرب*، الطبعة الاولى، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
 آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الاصول*، نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.
 افتخارزاده، محمود، *حقوق مؤلفان، مترجمان در فقه معاصر اسلامی*، نشر هزاران، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.

- بهار ۸۶ بررسی حقوق ترجمه و مترجم در فقه و حقوق موضوعه ۱۰۳
- امام خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان، قم: الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ق.
- ایرانی، ناصر، *مسأله این است، پیوستن یا نپیوستن به میثاق حق مؤلف*، نشر دانش، شماره ۱۴، سال ۱۳۷۳، صص ۹۱-۹۴.
- بجنوردی، محمدحسین، *القواعد الفقهیة*، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، الطبعة الاولى، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ق
- بندرچی، محمدرضا، *بررسی حقوق و تکالیف مترجمان در حقوق ایران*، مجله دادرسی، شماره ۲۳، سال هفتم، سال ۱۳۸۳.
- پروین، فرهاد، «راههای جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، *مجله دادگستری*، شماره ۱۱ سال چهارم.
- حائری، کاظم، «بررسی فقهی حق ابتکار»، *مجله فقه*، شماره ۲۲، سال ششم.
- حجی الکردی، احمد، «حکم الاسلام فی حقوق التألیف و النشر و الترجمة»، *مجله هدی الاسلام*، ج ۲، شماره ۷ و ۸، سال ۱۴۱۰ق.
- حسینی روحانی، صادق، *المسائل المستحدثة*، الطبعة الرابعة، قم: مؤسسة دارالکتب، ۱۴۱۴ق.
- خامنه ای، محمد، *ماهیت مالکیت معنوی از دیدگاه فقه امامیه*، کتاب قم، شماره ۲۴، سال سوم، ۱۳۸۴.
- الزبیدی، محمدمرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، مکتبة الحياة بیروت: بی تا.
- سعادت، اسماعیل، «فن ترجمه و انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام» بدوی، عبدالرحمن، درباره ترجمه، زیر نظر پورجوادی، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ ص ۷۵.

شماره ۷۵	مطالعات اسلامی	۱۰۴
	سیستانی، علی، قاعده لاضرر و لاضرار ، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ق.	
	شبییری، حسن، «وضعیت فقهی حقوقی رایانه در ایران»، جستجوگر پایگاههای شیعه .shia search	
	شفای، عبدالله، «حق تألیف از دیدگاه فقه تطبیقی»، مجله فقه ، سال دهم، شماره ۳۷ و ۳۸.	
	صفایی، حسین، «مسائل حقوقی حمایت از مالکیت ادبی و هنری در ایران»، همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، ۱۳۸۳ ش.	
	صلح جو، علی، « بعثی در مبانی ترجمه »، درباره ترجمه، زیر نظر نصرالله پورجوادی، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، ص ۳۹.	
	صدر، محمدباقر، قاعده لاضرر و لاضرار ، قم: مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۱۹ ق.	
	طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين ، تحقیق: سیداحمد حسینی، الطبعة الثانية، قم: مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.	
	عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان در آمدی بر مسؤولیت مدنی و اسباب و آثار آن ، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.	
	کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت ، چاپ ششم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.	
	طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد ، تهران: مطبعه علمی، ۱۳۳۸ ق.	
	کلینی، محمد، الکافی ، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.	
	معروف، یحیی، فن ترجمه، اصول نظری و علمی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی ، کرمانشاه: دانشگاه رازی، ۱۳۸۰.	
	مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه ، قم: مؤسسه الامام علی بن ابیطالب، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۶ق.	